

گردش شرکای مؤسسه حسابرسی، کیفیت سود و محافظه کاری

محمد کاشانی پور*

دانشیار حسابداری، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم

محمدعلی رجب بیکی

دانشجوی دکتری حسابداری، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم

محمد جندقی قمی

دانشجوی دکتری حسابداری، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم

چکیده

تعامل بلند مدت حسابرسان مستقل با صاحبکار، احتمال شکل‌گیری روابط نزدیک، نقض آیین رفتار حرفه‌ای و خدشه‌دار شدن کیفیت اطلاعات حسابرسی شده را قوت می‌بخشد. گردش شرکای مسئول کار در مؤسسه‌های حسابرسی یکی از سیاست‌هایی است که به منظور بهبود کیفیت فرآیند حسابرسی مستقل و گزارشگری مالی مورد توجه مجامع نظارتی و استاندارداردگذاران بازارهای سرمایه قرار گرفته است. در این راستا، هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه گردش شرکای مسئول کار حسابرسی در کوتاه مدت با کیفیت سود و محافظه‌کاری در گزارشگری مالی است. نمونه پژوهش حاضر شامل ۱۲۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴ می‌باشد. به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل‌های رگرسیون چند متغیره به روش‌های پروبیت و حداقل مربعات تعمیم‌یافته در مجموعه داده‌های ترکیبی استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان داد که بین گردش شرکای مسئول کار حسابرسی در کوتاه مدت و گزارشگری سود هدف توسط صاحبکار رابطه منفی و معناداری وجود دارد. بعلاوه، مشخص شد که گردش شرکای مسئول کار حسابرسی در کوتاه مدت دارای رابطه مثبت و معناداری با محافظه‌کاری در گزارشگری مالی است.

واژگان کلیدی: تحقق سود هدف، کیفیت سود، گردش شرکای مسئول کار حسابرسی، محافظه-کاری.

۱- مقدمه

رخداد رسوایی‌های مالی متعدد در سال‌های اخیر و نگرانی‌ها نسبت به شکست فرآیند گزارشگری مالی و حسابرسی مستقل موجب شد تا سازمان‌های سیاست‌گذار و ناظر بر بازارهای سرمایه، با بکارگیری سازوکارهایی در زمینه فرآیند اطمینان‌بخشی مستقل، در پی جلب اعتماد مشارکت-کنندگان بازار سرمایه برآیند (همیلتون، روداک، استوکس و تیلور^۱، ۲۰۰۵؛ ۳). یکی از موارد مهمی که در این راستا مورد توجه قرار گرفته، لزوم گردش حسابرس مستقل می‌باشد، زیرا با تداوم همکاری حسابرس و صاحب‌کار در بلند مدت، احتمال پیدایش آشنایی نزدیک و نقض استقلال و تردید حرفه‌ای حسابرس مستقل افزایش می‌یابد (چن، لین و لین^۲، ۲۰۰۸؛ ۴۱۵؛ فیرس، روی و وو^۳، ۲۰۱۲؛ ۱۰۹). محدودیت‌های مربوط به گردش حسابرس، در دو سطح مورد توجه قرار گرفته است. نخست، محدودیت مربوط به دوره زمانی است که یک مؤسسه حسابرسی می‌تواند خدمات حسابرسی مستقل را به یک صاحب‌کار معین ارائه دهد. این محدودیت که اصطلاحاً چرخش اجباری حسابرس مستقل خوانده می‌شود، به سبب تحمیل هزینه‌های بالقوه بسیار بر فرآیند حسابرسی مستقل، در اجرا بسیار مورد مقاومت قرار گرفته است. دومین محدودیت مربوط به کارکنان اصلی مجری کار حسابرسی، از قبیل شرکای مسئول کار است که باید بطور دوره‌ای در کوتاه مدت بوسیله مؤسسه حسابرسی گردش داده شوند (همیلتون و همکاران، ۲۰۰۵؛ ۳؛ ریکن، رادیچ و فارقر^۴، ۲۰۰۷؛ ۲۸). گردش حسابرس مستقل بر این استدلال استوار است که با تغییر حسابرس و جلوگیری از بوجود آمدن روابط نزدیک و بلند مدت بین حسابرس مستقل و صاحب‌کار، از صلاحیت و تردید حرفه‌ای حسابرس صیانت شده و به این ترتیب کیفیت حسابرسی و گزارشگری مالی ارتقا می‌یابد (چی و هوانگ^۵، ۲۰۰۵؛ ۶۹؛ فارقر، لی و ماند^۶، ۲۰۰۸؛ ۱۶۱). با این وجود، گردش حسابرس مستقل موضوع بحث‌برانگیزی است و در ادبیات حرفه‌ای و دانشگاهی دیدگاه‌های ضد و نقیضی نسبت به تأثیر آن بر کیفیت گزارشگری مالی ارائه شده است.

در این راستا، از یک دیدگاه حامیان گردش حسابرس معتقدند که با افزایش تداوم همکاری حسابرس و صاحب‌کار، استقلال حسابرسی مستقل در بلند مدت خدشه‌دار شده و برای صاحب‌کار امکان گزارشگری مالی جسورانه فراهم می‌گردد (باربادیلو، آگویلار و کرا^۷، ۲۰۰۹؛ ۱۱۷؛ کرامر، گورگاکپولوس، سوتیروپولوس و واسیلیو^۸، ۲۰۱۱؛ ۴۵). بر این اساس، احتمالاً گردش شرکای مسئول کار نسبت به گردش مؤسسه حسابرسی، سیاست کم اثرتری برای بهبود کیفیت گزارشگری مالی خواهد بود، زیرا خدشه‌دار شدن استقلال شرکای حسابرسی نسبت به مؤسسات حسابرسی، به سبب عواملی چون انگیزه‌های پاداش و رضایت صاحب‌کار با سهولت بیش‌تری امکان‌پذیر می‌باشد (فارقر و همکاران، ۲۰۰۸؛ ۱۶۵). از سوی دیگر، مخالفان گردش حسابرس معتقدند که هزینه‌های بالقوه گردش حسابرس بیش از منافع آن بوده و استدلال می‌نمایند که

گردش حسابرِس در کوتاه مدت بر میزان شناخت حسابرِس از صاحب‌کار تأثیر منفی گذاشته و از اینرو، ریسک گزارشگری مالی جسورانه و شکست حسابرسی در سال‌های آغازین پس از گردش حسابرِس بالاتر خواهد بود (ریبورن، شورگ و مسعود^۱، ۲۰۰۶؛ ۴۳؛ اولتکنور، گلد و پوت^۲، ۲۰۱۳؛ ۲۸). بر این اساس، احتمالاً گردش شرکای مسئول کار حسابرسی نسبت به گردش مؤسسه حسابرسی از اثربخشی بالاتری در بهبود کیفیت گزارشگری مالی برخوردار می‌باشد، زیرا امکان انتقال دانش در میان مؤسسات حسابرسی سابق و فعلی دشوارتر از تبادل دانش و تجربه در میان شرکای مسئول کار سابق و فعلی در یک مؤسسه حسابرسی است. در نتیجه، بر اساس استدلال‌های فوق می‌توان انتظار داشت که گردش شرکای مسئول کار نسبت به گردش مؤسسات حسابرسی تأثیر متفاوتی بر کیفیت حسابرسی و گزارشگری مالی داشته باشد (فارقر و همکاران، ۲۰۰۸؛ ۱۶۵؛ فیرس و همکاران، ۲۰۱۲؛ ۱۱۳).

هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه گردش شرکای مسئول کار حسابرسی در کوتاه مدت با کیفیت سود و محافظه‌کاری در گزارشگری مالی است. در ادبیات داخلی، پژوهش‌هایی که تاکنون انجام شده‌اند، بطور عمده مسئله گردش مؤسسه حسابرسی را مورد توجه قرار داده‌اند. از اینرو، پژوهش حاضر با فراهم نمودن شواهدی در زمینه گردش شرکای مسئول کار در کوتاه مدت، می‌تواند نسبت به کسب شناخت از اثربخشی سیاست مذکور دانش‌افزایی داشته باشد.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱- مبانی نظری

وجود تضاد منافع بالقوه میان مالکان، مدیران و سایر ذینفعان واحدهای تجاری زمینه‌ساز نیاز به خدمات اطمینان‌بخشی مستقل می‌باشد. حسابرِس مستقل با مشارکت در فرآیند گزارشگری مالی و تأیید کیفیت اطلاعات، موجب ایجاد ارزش افزوده و بهبود تخصیص اثربخش منابع اقتصادی کمیاب در جامعه می‌شود. حسابرسی مستقل با اطمینان‌بخشی نسبت به کیفیت اطلاعات صورت‌های مالی، نقشی اساسی در نظام راهبری شرکتی و صیانت از حقوق ذینفعان واحدهای تجاری ایفا می‌نمایند (آرل، برودی و پانی^۱، ۲۰۰۶؛ ۳؛ بلاندن و بوش^۲، ۲۰۱۳؛ ۱۱۸). سنگ‌بنای حرفه حسابرسی مستقل، استقلال وی از واحد گزارشگر می‌باشد (یه، کارسون و سیمنت^۳، ۲۰۱۱؛ ۱۲۱). استقلال حسابرِس دارای دو جنبه ذهنی و ظاهری (رفتاری) می‌باشد (شورورزی، زنده‌دل و قاسمپور انارکی، ۱۳۹۱؛ ۱۳۷). استقلال ذهنی به معنای نگرشی از ذهن است که اجازه نمی‌دهد نقطه نظرات و نتیجه‌گیری‌های حسابرِس، تحت تأثیر فشارهای ناشی از تضاد منافع افراد قرار گیرد (حساس‌یگانه، ۱۳۹۳؛ ۲۰۶). به عنوان تعریفی دیگر، استقلال ذهنی حسابرِس به معنای این است که صورت‌های مالی بوسیله افرادی حسابرسی شده است که علاوه بر صلاحیت‌های فنی، از بی‌طرفی کافی جهت انجام قضاوت مستقل برخوردار می‌باشند (بزرگ‌اصل و شایسته‌مند،

۱۳۹۰؛ ۲۱۴). از جنبه ظاهری نیز، استقلال حسابرسان به معنای آن است که حسابرس همواره بایستی از دید اشخاص ثالث کاملاً مستقل و عاری از هر گونه رابطه با صاحب‌کار به نظر برسد (شورورزی و همکاران، ۱۳۹۱؛ ۱۳۷).

استقلال حسابرسان، عنصری حیاتی در کیفیت حسابرسی محسوب می‌شود، بطوریکه اگر حسابرس از درجه بالایی (پایینی) از استقلال نسبت به واحد تجاری برخوردار باشد، احتمال کشف و گزارشگری اشتباهات و تحریف‌های بااهمیت طی فرآیند حسابرسی مستقل افزایش (کاهش) یافته و در نتیجه کیفیت حسابرسی بالا (پایین) خواهد بود (منون و ویلیامز^۴، ۲۰۰۴؛ ۱۰۹۵). در این راستا، تداوم بلندمدت روابط حسابرسان - صاحب‌کار یکی از تهدیدات اساسی برای ایجاد تضاد منافع در حسابرسی مستقل و خدشه‌دار شدن استقلال و صلاحیت حرفه‌ای وی محسوب می‌شود (بلاندن و بوش، ۲۰۱۳؛ ۱۱۹). پیدایش آشنایی و روابط نزدیک میان حسابرس مستقل و صاحب‌کار می‌تواند استقلال، قابلیت اتکا و کیفیت حسابرسی وی را کاهش و احتمال گزارشگری مالی گمراه‌کننده را افزایش دهد. رخداد رسوایی‌های مالی متعدد در سال‌های اخیر از قبیل انرون، ورلداکان و زیراکس، در واقع پیامدهای نقض اصل استقلال و شکست فرآیند حرفه‌ای حسابرسان مستقل می‌باشد. رخداد این فجایع در گزارشگری مالی، قانون‌گذاران و ناظران بازارهای سرمایه را بر آن داشت تا برای صیانت از کیفیت حسابرسی مستقل، سازوکارهایی را تعبیه نمایند (باربادیلو و همکاران، ۲۰۰۹؛ ۱۱۶؛ فیرس و همکاران، ۲۰۱۲؛ ۱۰۹). در این راستا، یکی از سیاست‌هایی که مورد توجه صاحب‌نظران و قانون‌گذاران قرار گرفته است، الزامی نمودن گردش حسابرسان مستقل در دو سطح مؤسسات حسابرسی و شرکای مسئول کار می‌باشد (ریکن و همکاران، ۲۰۰۷؛ ۲۸؛ فیرس و همکاران، ۲۰۱۲؛ ۱۱۰). در سال ۲۰۰۲، طبق بخش ۲۰۳ قانون ساربینز - آکسلی، مؤسسه‌های حسابرسی ملزم شدن تا شرکا و مدیران خود را بعد از ۵ سال متوالی کار حسابرسی با یک صاحب‌کار تغییر دهند (ملکیان و عبدی‌پور، ۱۳۹۳؛ ۱۵۸). بعلاوه، بخش ۲۰۷ قانون مذکور، خواهان انجام مطالعات بیش‌تر پیرامون منافع و هزینه‌های گردش اجباری شرکای مسئول کار حسابرسی شد (حساس‌یگانه و همکاران، ۱۳۹۵؛ ۳۳۴). در پاسخ به این درخواست، اداره حسابداری عمومی آمریکا^{۱۵} در سال ۲۰۰۳ گزارش داد که گردش مؤسسات حسابرسی می‌تواند به تقویت استقلال ظاهری حسابرسان مستقل کمک نماید، اما هزینه‌های قابل ملاحظه‌ای را به همراه خواهد داشت. بعلاوه، گزارش مذکور بیان نمود که گردش شرکای مسئول کار حسابرسی بطور عمده اهداف مربوط به استقلال حسابرسان را تأمین نموده و تأثیر گردش مؤسسات حسابرسی بر استقلال ظاهری حسابرسان مستقل قوی‌تر از گردش شرکای مسئول کار حسابرسی نخواهد بود (کرامر و همکاران، ۲۰۱۱؛ ۴۴). در استرالیا نیز بطور مشابه، گردش حسابرسان در هر دوره پنج ساله را به یک الزام قانونی تبدیل شده است. همچنین، بر اساس

تجدیدنظر ۲۰۰۴ قانون شرکت‌های این کشور، افرادی که نقشی با اهمیت در حسابرسی شرکت‌های بورسی استرالیا دارند (حسابرسان سرپرست، مسئول کار و یا ناظر)، باید حداکثر برای هر دوره دو ساله، گردش داده شوند. همچنین، استانداردهای حسابرسی استرالیا الزامی مشابه را ارائه می‌کند (همیلتون و همکاران، ۲۰۰۵: ۳). در همین راستا، در ایران بنابر دستور العمل شورای عالی بورس اوراق بهادار تهران، مؤسسات و شرکای حسابرسی هر یک از اشخاص حقوقی، بعد از گذشت ۴ سال مجاز به پذیرش سمت حسابرسی مستقل و بازرسی قانونی نمی‌باشند (رحیمیان و جان‌فدا، ۱۳۹۳: ۶۸).

الزامات گردش حسابرس بر این استدلال استوار می‌باشند که تداوم همکاری حسابرس و صاحب‌کار در بلندمدت، به آشنایی بیش از حد و پیدایش روابط نزدیک میان آن‌ها منجر شده و به این ترتیب، احتمال خدشه‌دار شدن استقلال حسابرس مستقل و کیفیت گزارشگری مالی افزایش می‌یابد (چی و هوانگ، ۲۰۰۵؛ ۶۹). با این وجود، مسئله گردش حسابرس مستقل بسیار بحث‌برانگیز بوده و دیدگاه‌های ضد و نقیضی در مورد آن بر کیفیت حسابرسی مطرح می‌باشد. حامیان گردش حسابرس معتقدند که با گردش حسابرس مستقل احتمال شکست حسابرسی کاهش یافته و صاحب‌کاران به منظور رعایت حسابداری محافظه‌کارانه و افشای کامل و با کیفیت اطلاعات در گزارش‌های مالی خود تحت فشار و نظارت دقیق‌تر قرار می‌گیرند (ریبورن و همکاران، ۲۰۰۶؛ ۴۰). بعلاوه، در این راستا گردش مؤسسه حسابرسی در مقایسه با گردش شرکای مسئول کار از هزینه بالاتری برخوردار خواهد بود. به عبارت دیگر، علاوه بر هزینه‌های مالی مستقیم مربوط به مؤسسه حسابرسی جدید شامل هزینه‌های آشنا شدن کارکنان مؤسسه با کسب و کار، کنترل‌های داخلی و سیاست‌های گزارشگری مالی صاحب‌کار، هزینه‌های بالقوه‌ای در ارتباط با کاهش کیفیت حسابرسی به سبب عدم آشنایی کافی حسابرسان جدید مطرح می‌شود. اما در مورد گردش شرکای مسئول کار می‌توان بیان کرد که این قبیل هزینه‌ها به مراتب کمتر از گردش مؤسسه حسابرسی است؛ چرا که در مورد گردش شرکای مسئول کار، اکثر تیم حسابرسی بدون تغییر به کار خود ادامه می‌دهند، اما فرآیندهای حسابرسی با مدیریت و نظارتی جدید همراه خواهد بود. این امر موجب شده است تا در تدوین استانداردها و الزامات حرفه‌ای حسابرسی، گرایش‌ها به سوی گردش شرکای مسئول کار پرطرفدارتر از گردش اجباری مؤسسه حسابرسی باشد (همیلتون و همکاران، ۲۰۰۵؛ ۶؛ لائوریون، لاورنس و ریانس^{۱۶}، ۲۰۱۶؛ ۱). در مقابل، برخی استدلال می‌نمایند که استقلال و تردید حرفه‌ای در گردش شرکای مسئول کار نسبت به گردش مؤسسات حسابرسی، با احتمال بیش‌تری تحت تأثیر انگیزه دریافت پاداش و حفظ رضایت صاحب‌کار قرار می‌گیرد و از اینرو، گردش مؤسسات حسابرسی سیاستی مؤثرتر برای صیانت از اعتبار حرفه حسابرسی مستقل و کیفیت گزارشگری مالی خواهد بود (فارق و همکاران، ۲۰۰۸؛ ۱۶۵). بر

اساس استدلال‌های فوق می‌توان انتظار داشت که گردش شرکای حسابرسی نسبت به مؤسسه حسابرسی تأثیری متفاوت بر استقلال و کیفیت حسابرسی داشته باشد (فیرس و همکاران، ۲۰۱۲؛ ۱۱۳).

از دیدگاه مخالفان گردش حسابرسی نیز استدلال می‌شود که هزینه‌های بالقوه گردش حسابرسی بیش از منافع آن می‌باشد، زیرا احتمال شکست حسابرسی در دوره‌های اولیه روابط حسابرسی - صاحب‌کار به دلیل فقدان شناخت کافی حسابرسی نسبت به ریسک‌ها، فرآیندها و عملیات صاحب‌کار بیش‌تر می‌باشد (اولتکنور و همکاران، ۲۰۱۳؛ ۲۸). بعلاوه، پژوهش‌های پیشین نشان داده‌اند که عوامل متعددی از قبیل بازار کار حسابرسی، حفظ اعتبار، حسن شهرت و عدم برخورد با دعاوی حقوقی موجب می‌شود تا حسابرسان همواره استقلال و صلاحیت حرفه‌ای لازم را در ارائه خدمات حرفه‌ای خود لحاظ نمایند (باریادیلو و همکاران، ۲۰۰۹؛ ۱۱۷؛ کرمی و بذرافشان، ۱۳۸۸؛ ۵۷). همچنین، در شرایطی ممکن است فقط حسابرسان خاصی از توانایی و تخصص لازم برای رسیدگی به برخی از صاحب‌کاران برخوردار باشند و در نتیجه، گردش حسابرسی می‌تواند کیفیت گزارشگری مالی را با چالشی جدی مواجه نماید (ریبورن و همکاران، ۲۰۰۶؛ ۴۳؛ حساس‌یگانه و همکاران، ۱۳۹۵؛ ۳۳۶). همانند دیدگاه‌های متنوع مطرح شده، پژوهش‌های تجربی نیز شواهدی ضد و نقیض مبنی بر عدم تأثیر گردش حسابرسی بر استقلال حسابرسی مستقل، تأثیر منفی گردش حسابرسی بر کیفیت گزارشگری مالی و یا حتی تأثیر مثبت تداوم تصدی حسابرسی مستقل بر کیفیت حسابرسی ارائه نموده‌اند (دفوند و سابرامانیا^{۱۷}، ۱۹۹۸؛ ۳۶؛ فیرس و همکاران، ۲۰۱۲؛ ۱۱۳؛ بهبهانی‌نیا و معصومی، ۱۳۹۵؛ ۹۷). در همین راستا، پژوهش حاضر به بررسی رابطه گردش شرکای مسئول‌کار حسابرسی در کوتاه مدت با کیفیت سود و حسابداری محافظه‌کارانه می‌پردازد.

۲-۱-۱- گردش شرکای مسئول‌کار حسابرسی و کیفیت سود

کیفیت سود به عنوان شاخصی از کیفیت گزارشگری مالی می‌تواند تحت تأثیر گردش شرکای مسئول‌کار قرار گیرند. کیفیت سود حاصل تلاش مشترک مدیریت و حسابرسی مستقل می‌باشد. بر اساس تئوری نمایندگی، مدیریت از این انگیزه برخوردار است تا با اعمال نظر در گزارشگری مالی، سود حسابداری را به سوی مقاصد مورد نظر خود هدایت نمایند تا منافع خود را واحد گزارشگر حداکثر نماید (لیت، شارما، سیمپسون و تانی^{۱۸}، ۲۰۱۴؛ ۱۲). از سوی دیگر، حسابرسی مستقل تحت تأثیر ریسک دعاوی حقوقی و از دست دادن حسن شهرت خود از این انگیزه برخوردار است تا با اعمال کیفیت بالا در ارائه خدمات حرفه‌ای خود، از دستکاری سود توسط مدیریت جلوگیری نماید. کیفیت حسابرسی بطور عمده محصول استقلال و تخصص فنی حسابرسی مستقل می‌باشد. شرکای مسئول‌کار حسابرسی، افراد کلیدی در برنامه‌ریزی و اجرای حسابرسی مستقل می‌باشند. در این راستا، از دو دیدگاه می‌توان تأثیر فاصله زمانی گردش شرکای حسابرسی

را بر کیفیت سود مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. از دیدگاه نخست، استدلال می‌شود که تداوم بلند مدت روابط شرکای مسئول کار و صاحب‌کار به پیدایش روابط نزدیک میان آن‌ها و کاهش استقلال حسابرِس مستقل منجر شده و در نتیجه، حسابرِس در راستای جلب رضایت و منافع صاحب‌کار، با احتمال کمتری با دستکاری سود حسابداری توسط مدیریت مقابله می‌نماید. بر اساس این دیدگاه، می‌توان انتظار داشت که گردش شرکای حسابرِس در کوتاه مدت به بهبود کیفیت سود منتج شود (لیت و همکاران، ۲۰۱۴؛ ۱۳). از دیدگاه دوم، استدلال می‌شود که شرکای حسابرِس در ادوار نخستین تصدی مسئولیت خود، به دلیل فقدان شناخت کافی از ریسک‌ها، راهبری و کسب و کار صاحب‌کار، با احتمال کمتری امکان شناسایی و مقابله با دستکاری سود توسط مدیریت را بدست می‌آورند. اما در بلند مدت، با کسب شناخت کافی، می‌توانند به نحو مطلوب اقدامات فرصت‌طلبانه مدیریت در گزارشگری مالی را رصد نموده و از دستکاری سود توسط وی جلوگیری نمایند. بر اساس این دیدگاه می‌توان انتظار داشت گردش شرکای حسابرِس در کوتاه مدت، به کاهش کیفیت سود منجر شود (لیت و همکاران، ۲۰۱۴؛ ۱۳).

۲-۱-۲- گردش شرکای مسئول کار حسابرِس و محافظه‌کاری

عدم حسابداری محافظه‌کارانه بیانگر احتمال بهره‌برداری فرصت‌طلبانه صاحب‌کار از گزارشگری مالی و کیفیت پایین حسابرِس می‌باشد. محافظه‌کاری در حسابداری به معنای لزوم تأییدپذیری بالاتر اخبار خوب نسبت به اخبار بد به منظور شناخت و گزارشگری است (باسو^۱، ۱۹۷۷؛ ۴). به عبارت دیگر، محافظه‌کاری بر شناخت به‌هنگام‌تر زبان‌های تحقق نیافته نسبت به سودهای تحقق نیافته تأکید دارد. به عنوان تعریفی دیگر، محافظه‌کاری به عدم پیش‌بینی و شناسایی هیچگونه سود و در مقابل پیش‌بینی و شناسایی تمامی زیان‌ها گفته می‌شود (واتس^۲، ۲۰۰۳؛ ۲۰۸). بر اساس تئوری نمایندگی، مدیریت از این انگیزه برخوردار است تا بر خلاف رویکرد محافظه‌کارانه، شناخت زبان‌های محتمل را به تأخیر انداخته و در مقابل با شناخت سودهای تحقق نیافته، سعی در گزارشگری مالی فرصت‌طلبانه نماید. استقلال حسابرِس و کیفیت حسابرِس، یکی از مواردی است که می‌تواند گرایش‌های فرصت‌طلبانه مدیریت را کنترل نموده و نسبت به گزارشگری مالی محافظه‌کارانه، اطمینان‌بخشی نماید (دفوند و سابرامانیا، ۱۹۹۸؛ ۳۶). گردش شرکای حسابرِس از دو دیدگاه می‌تواند با محافظه‌کاری در گزارشگری مالی دارای رابطه باشد. از دیدگاه نخست، در سال‌های آغازین حسابرِس به دلیل فقدان شناخت کافی حسابرِس از کسب و کار، عملیات و کنترل‌های داخلی صاحب‌کار، حسابرِس با کیفیت و صلاحیت حرفه‌ای پایین‌تری انجام شده و در نتیجه، فرصت بیشتری برای گزارشگری مالی جسورانه و عدم محافظه‌کاری برای صاحب‌کار فراهم می‌باشد. اما با گذر زمان، حسابرِس مستقل با کسب آشنایی بیشتر با صاحب‌کار قادر خواهد بود تا فشار و دقت بیشتری را برای وادار

نمودن صاحب‌کار به گزارشگری مالی محافظه‌کارانه اعمال نماید (دفوند و سابرامانیام، ۱۹۹۸؛ ۳۶؛ فارقر و همکاران، ۲۰۰۸؛ ۱۶۲). در نتیجه، بر اساس این دیدگاه انتظار می‌رود که گردش شرکای حسابرسی در کوتاه مدت، با کاهش حسابداری محافظه‌کارانه همراه باشد. از دیدگاه دوم، می‌توان استدلال نمود که حسابرس مستقل در سال‌های نخست تصدی خود از استقلال و صلاحیت حرفه‌ای بالاتری برخوردار بوده و این امر موجب رسیدگی دقیق‌تر و انجام حسابرسی با کیفیت بالاتر خواهد شد. اما با گذر سال‌های نخست حسابرسی و کسب آشنایی و پیدایش روابط نزدیک میان حسابرس و صاحب‌کار، حسابرس مستقل دقت کمتری در خدمات خود لحاظ نموده و با هدف جلب رضایت و تأمین منافع صاحب‌کار، اجازه رفتارهای فرصت‌طلبانه بیشتری در گزارشگری مالی به وی می‌دهد (دیس و گیروکس^{۲۱}، ۱۹۹۲؛ ۴۶۴؛ فارقر و همکاران، ۲۰۰۸؛ ۱۶۱؛ کرامر و همکاران، ۲۰۱۱؛ ۴۶؛ لائوریون و همکاران، ۲۰۱۶؛ ۲). بر این اساس می‌توان استدلال نمود که گردش شرکای حسابرسی در کوتاه مدت، احتمالاً به افزایش محافظه‌کاری در گزارشگری مالی بیانجامد.

۲-۲- پیشینه تجربی

نتایج چی، میرز، اوامر و ژی^{۲۲} (۲۰۱۶) نشان داد که بین تجربه پیشین شرکای حسابرسی از صاحب‌کار و کیفیت حسابرسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. هوانگ، راقوناندان، هوانگ و چیئو^{۲۳} (۲۰۱۵) به این نتیجه رسیدند که با تغییر مؤسسه حسابرسی و هر دو شرکای امضاکننده گزارش حسابرسی، حق‌الزحمه حسابرسی سال نخست بطور معناداری کاهش یافته و در این شرایط، کیفیت پایین حسابرسی و مدیریت سود قابل ملاحظه بسیار محتمل می‌باشد. لیت و همکاران (۲۰۱۴) دریافتند که در پی گردش شرکای حسابرسی، کیفیت گزارشگری مالی کاهش می‌یابد. همچنین، نتایج آنان نشان داد که کیفیت گزارشگری مالی در دو سال نخست فعالیت شرکای جدید بطور معناداری پایین‌تر از دو سال پایانی شرکای پیشین می‌باشد. لینوکس، وو و ژانگ^{۲۴} (۲۰۱۴) بیان نمودند که با گردش شرکای مسئول کار، کیفیت حسابرسی در سال‌های آغازین فعالیت شرکای جدید بالاتر خواهد بود. بعلاوه، نتایج آنان نشان داد که شرکای در ادوار ابتدایی و پایانی تصدی خود، بطور معناداری از تعدیلات بیش‌تری در گزارش حسابرسی استفاده می‌نمایند. نتایج دوگرتی، دیکینس، هتفیلد و هیگز^{۲۵} (۲۰۱۳) نشان داد که گردش شرکای حسابرسی موجب افزایش حجم کار حسابرس و احتمال جایگزینی شرکا می‌شود و بدین ترتیب کیفیت حسابرسی و کسب شناخت شرکا از صنعت و صاحب‌کار با چالش مواجه می‌گردد. کرامر و همکاران (۲۰۱۱) بیان نمودند که گردش حسابرس دارای اثر مثبت و معناداری بر محافظه‌کاری و کیفیت گزارشگری مالی است. چن، سو و وو^{۲۶} (۲۰۰۹) نشان دادند که صاحب‌کاران با گردش شرکای حسابرسی با احتمال بیش‌تری به مدیریت سود فرصت‌طلبانه مبادرت می‌نمایند. چن و همکاران (۲۰۰۸) بیان کردند که اقلام تعهدی اختیاری بطور معناداری هم با گردش مؤسسه

حسابرسی و هم با گردش شرکای مسئول حسابرسی کاهش می‌یابد. فارقر و همکاران (۲۰۰۸) دریافتند که ارقام تعهدی غیرعادی با گردش شرکا کاهش، اما با گردش مؤسسه حسابرسی افزایش می‌یابد. کاری و سیمنت^{۲۷} (۲۰۰۶) نشان دادند که دوره تصدی طولانی مدت شرکای حسابرسی با تمایل کمتر به گزارش تداوم فعالیت و دستیابی به سود هدف رابطه دارد و بر این اساس می‌توان استدلال نمود که رابطه طولانی مدت شرکای حسابرسی و صاحب‌کار، کیفیت حسابرسی را خدشه‌دار می‌نماید. همیلتون و همکاران (۲۰۰۵) به این نتیجه رسیدند که گردش شرکای حسابرسی بطور معناداری موجب کاهش ارقام تعهدی اختیاری و گزارشگری مالی محافظه‌کارانه-تر می‌شود. نتایج منون و ویلیامز (۲۰۰۴) نشان داد که ابقای شرکای سابق بطور معناداری موجب افزایش ارقام تعهدی علامت‌دار و بدون علامت می‌شود. دیس و گیروکس (۱۹۹۲) دریافتند که کیفیت حسابرسی با افزایش دوره گردش حسابرس، کاهش می‌یابد و این امر حاکی از رفتار فرصت‌طلبانه حسابرس یا کاهش صلاحیت حرفه‌ای وی می‌باشد.

در ادبیات داخلی، نتایج خواجه‌وی و حسینی نیا (۱۳۹۳) نشان داد که با افزایش دوره تصدی حسابرس، ضریب واکنش سود کاهش می‌یابد. نتایج شورورزی و همکاران (۱۳۹۱) نشان داد که روابط طولانی مدت صاحب‌کار-حسابرس، بر استقلال حسابرس مستقل تأثیر منفی و معناداری دارد. بزرگ اصل و شایسته‌مند (۱۳۹۰) به این نتیجه رسیدند که بین مدت تصدی حسابرس و قدر مطلق ارقام تعهدی اختیاری رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. کرمی، بذرافشان و محمدی (۱۳۹۰) دریافتند که بین دوره تصدی حسابرس و استفاده مدیریت از ارقام تعهدی اختیاری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

بر اساس مبانی نظری و پیشینه پژوهش، می‌توان انتظار داشت که بین گردش شرکای حسابرسی در کوتاه مدت با کیفیت سود و محافظه‌کاری، رابطه معناداری وجود داشته باشد. با این وجود، به دلیل وجود دیدگاه‌های رقیب پیرامون رابطه مذکور، فرضیه‌های پژوهش حاضر بصورت عاری از جهت و به شرح زیر تدوین شده‌اند:

فرضیه ۱: بین گردش شرکای مسئول کار حسابرسی در کوتاه مدت و کیفیت سود رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه ۲: بین گردش شرکای مسئول کار حسابرسی در کوتاه مدت و گزارشگری مالی محافظه-کارانه رابطه معناداری وجود دارد.

۳- روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، فرآیند و نتیجه اجرا به ترتیب در دسته مطالعات تحلیلی-همبستگی، کمی و کاربردی قرار می‌گیرد. جامعه آماری پژوهش، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۴ می‌باشد. به منظور تعیین مشاهدات مورد

مطالعه به معیارهایی از قبیل سال مالی منتهی به اسفند ماه، عدم حضور در صنعت مالی و سرمایه-گذاری و در دسترس بودن اطلاعات مورد نیاز توجه شده است. بر این اساس، تعداد ۱۲۷ شرکت به عنوان نمونه پژوهش، انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. داده‌های مورد نیاز پژوهش، با مراجعه به نرم افزار ره‌آورد نوین و بانک‌های اطلاعاتی وابسته به سازمان بورس و اوراق بهادار تهران جمع‌آوری شده است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌های پژوهش، از مدل‌های رگرسیون چند متغیره به روش‌های پروبیت و حداقل مربعات تعمیم‌یافته در مجموعه داده‌های ترکیبی و نرم‌افزارهای اکسل، ایویوز و استاتا استفاده شده است.

۳-۱- مدل‌ها و متغیرهای پژوهش

۳-۱-۱- فرضیه اول پژوهش

به منظور آزمون فرضیه اول پژوهش، مطابق با مطالعه لیت و همکاران (۲۰۱۴) از مدل رگرسیون چند متغیره پروبیت زیر استفاده شده است:

$$MB = \alpha_0 + \alpha_1 NEW + \alpha_2 LEV + \alpha_3 ALT + \alpha_4 LOSS + \alpha_5 SIZE + \alpha_6 SEG + \alpha_7 FGN + \alpha_8 CFO + \alpha_9 BIG + \alpha_{10} BTM + \alpha_{11} EXT + \alpha_{12} ICW + \alpha_{13} IND + \alpha_{14} BOME + \alpha_{15} INS + \varepsilon \quad (1)$$

در مدل ۱، تمامی متغیرها بر حسب شرکت-سال بوده و به شرح زیر تعریف و اندازه‌گیری می‌شوند:

متغیر وابسته

سود هدف (MB): یک متغیر مجازی است، بطوریکه اگر مدیریت در برآورده نمودن سود هدف از اقلام تعهدی اختیاری استفاده نموده باشد، مقدار ۱ و در غیر اینصورت مقدار ۰ اعمال می‌گردد. در این راستا، ابتدا، اقلام تعهدی اختیاری با استفاده از مدل تعدیل شده جونز به شرح زیر محاسبه می‌شود:

$$\frac{ACC_t}{TA_{t-1}} = \gamma_0 \left(\frac{1}{TA_{t-1}} \right) + \gamma_1 \left[\frac{\Delta SALES_t - \Delta REC_t}{TA_{t-1}} \right] + \gamma_2 \left(\frac{PPE_t}{TA_{t-1}} \right) + \varepsilon_t \quad (2)$$

متغیرهای مدل ۲، به شرح زیر تعریف و اندازه‌گیری می‌شوند:

کل اقلام تعهدی (ACC_t): سود خالص قبل از اقلام استثنایی منهای جریان وجوه نقد عملیاتی؛ کل دارایی‌های سال قبل (TA_{t-1})؛ تغییرات درآمد فروش سال جاری نسبت به سال قبل ($\Delta SALES_t$)؛ تغییرات در کل حساب‌های دریافتی سال جاری نسبت به سال قبل (ΔREC_t)؛ خالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات (PPE_t).

مقدار باقیمانده مدل ۲ (ε_t) نشان‌دهنده اقلام تعهدی اختیاری تعدیل نشده خواهد بود. در گام بعد، اقلام تعهدی اختیاری تعدیل نشده به نسبت سودآوری سال گذشته (ROA_{t-1}) تقسیم شده و تفاضل این شاخص از مقدار متوسط صنعت هر شرکت-سال بدست می‌آید. مقادیر حاصل بیانگر اقلام تعهدی اختیاری تعدیل شده بر حسب عملکرد (DAC) خواهند بود. در گام سوم، مقدار اقلام تعهدی اختیاری هر سهم به شرح زیر محاسبه می‌شود:

$$DACs = \frac{(DAC \times TA_{t-1})}{SHARES} \quad \text{مدل ۳}$$

در مدل ۳، مخرج کسر بیانگر میانگین موزون تعداد سهام جاری شرکت می‌باشد. در گام چهارم، ارقام تعهدی اختیاری هر سهم (DACs) از سود واقعی هر سهم کسر شده و سود هر سهم تعدیل شده به شرح زیر بدست می‌آید:

$$ADJEPS = EPS - DACS \quad \text{مدل ۴}$$

در نهایت، چنانچه سود واقعی هر سهم، از سود هر سهم پیش‌بینی شده توسط مدیریت بیش‌تر باشد، اما سود هر سهم تعدیل شده کمتر از سود هر سهم پیش‌بینی شده باشد، فرض می‌شود که شرکت از ارقام تعهدی اختیاری برای برآورده نمودن سود هدف استفاده کرده است.

متغیر مستقل

گردش شرکای حسابرسی (NEW): چنانچه شرکای امضاکننده گزارش حسابرسی، در دوران تصدی مؤسسه حسابرسی طی سال جاری و یا سال گذشته، گردش نموده باشند، مقدار ۱ و در غیر اینصورت مقدار ۰ اعمال می‌گردد (لیت و همکاران، ۲۰۱۴؛ هوانگ و همکاران، ۲۰۱۵).

متغیرهای کنترلی

اهرم (LEV): نسبت بدهی‌های بلند مدت به کل دارایی‌ها؛
درماندگی مالی (ALT): بیانگر امتیاز جایگاه مالی مدل آلتمن تعدیل شده است که به شرح زیر محاسبه می‌گردد (کردستانی، تاتلی و کوثری‌فر، ۱۳۹۳):

$$T - score A = 0.291X_1 + 2.458X_2 - 0.301X_3 - 0.079X_4 - 0.05X_5 \quad \text{مدل ۵}$$

در مدل ۵، X_1 نسبت سرمایه در گردش به کل دارایی‌ها، X_2 نسبت سود انباشته به کل دارایی‌ها، X_3 نسبت سود قبل از بهره و مالیات به کل دارایی‌ها، X_4 نسبت ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری کل بدهی‌ها و X_5 نسبت فروش به کل دارایی‌ها را نشان می‌دهد. زیان (LOSS): متغیری مجازی است، بطوریکه اگر شرکت زیان گزارش نموده باشد، مقدار ۱ و در غیر اینصورت مقدار ۰ اعمال می‌گردد؛

اندازه صاحب‌کار (SIZE): لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها؛

بخش‌های کسب و کار (SEG): لگاریتم طبیعی تعداد بخش‌های جغرافیایی کسب و کار؛
عملیات خارجی (FGN): متغیری مجازی است، بطوریکه اگر شرکت دارای عملیات خارجی باشد، مقدار ۱ و در غیر اینصورت مقدار ۰ اعمال می‌گردد؛

جریان وجوه نقد عملیاتی (CFO): نسبت جریان وجوه نقد عملیاتی به کل دارایی‌ها؛
حسابرس بزرگ (BIG): متغیری مجازی است، بطوریکه اگر شرکت تحت حسابرسی سازمان حسابرسی باشد، مقدار ۱ و در غیر اینصورت مقدار ۰ اعمال می‌شود؛

نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار (BTM): نسبت جمع حقوق صاحبان سهام به ارزش بازار سهام شرکت؛

اقدام استثنایی (EXT): متغیری مجازی است، بطوریکه اگر در صورت سود و زیان شرکت اقدام استثنایی درج شده باشد، مقدار ۱ و در غیر اینصورت مقدار ۰ اعمال می‌گردد؛
ضعف کنترل داخلی (ICW): متغیری مجازی است، بطوریکه اگر در گزارش حسابرس مستقل یا بازرس قانونی، بندی مبنی بر وجود ضعف در کنترل‌های داخلی وجود داشته باشد، مقدار ۱ و در غیر اینصورت مقدار ۰ اعمال می‌شود؛

استقلال هیأت مدیره (IND): درصد اعضای غیرموظف هیأت مدیره؛

جلسات هیأت مدیره (BOME): لگاریتم طبیعی تعداد جلسات هیأت مدیره؛

سرمایه‌گذار نهادی (INS): درصد مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی در شرکت.

همچنین، در مدل ۱، مجموعه‌ای از عوامل دارای تأثیر بالقوه بر برآورده نمودن سود هدف توسط مدیریت، به عنوان متغیرهای کنترلی لحاظ شده‌اند. در این راستا، بر اساس ادبیات موجود، اهرم بالا در برآورده نمودن سود هدف مؤثر می‌باشد (دیویس، سو و ترومپتر^{۲۸}، ۲۰۰۹؛ ۵۳۳). درماندگی مالی و گزارش زیان، مدیریت را تحریک می‌نماید تا سود را به سوی اهداف مدنظر خود هدایت نماید تا بدین وسیله، از پیامدهای اقتصادی تعهدات قراردادی و حسن شهرت در بازار کار مدیریت مصون بماند (لیت و همکاران، ۲۰۱۴؛ ۲۰). انتظار می‌رود که شرکت‌های بزرگ‌تر به دلیل فشار بیش‌تری از سوی ذینفعان، در برآورده نمودن پیش‌بینی‌ها و اهداف مصرانه‌تر عمل نمایند (داس، لوین و سیواراماکریشن^{۲۹}، ۱۹۹۸؛ ۲۸۴). از سوی دیگر، زیمرمن و واتر (۱۳۹۳؛ ۳۶۰) بیان می‌کنند که شرکت‌ها بزرگ‌تر به دلیل نگرانی بیش‌تر نسبت به هزینه‌های سیاسی، از انگیزه بیش‌تری برای مدیریت سود برخوردار هستند. همچنین، از تعداد بخش‌های کسب و کار و عملیات خارجی به عنوان متغیرهای کنترلی استفاده شده‌اند، زیرا این عوامل به عنوان شاخصی از پیچیدگی کسب و کار شرکت، می‌توانند دقت پیش‌بینی سود مدیریت را کاهش دهند. پژوهش‌های پیشین بیان نموده‌اند که جریان وجوه نقد تعدیل شده بر حسب دارایی‌ها و حسابرس بزرگ دارای رابطه منفی و معناداری با تأمین سود هدف می‌باشند (لیت و همکاران، ۲۰۱۴؛ ۲۰). بر اساس مطالعه براون^{۳۰} (۲۰۰۱؛ ۲۲۵)، نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار شرکت به عنوان شاخصی از رشد، دارای رابطه مثبت و معناداری با گزارشگری سودهای پیش‌بینی نشده می‌باشد. اقدام استثنایی و ضعف کنترل‌های داخلی عواملی هستند که مدیریت سود توسط واحد گزارشگر را تحت تأثیر قرار می‌دهند (دوبله، گه و مک‌وای^{۳۱}، ۲۰۰۷؛ ۱۱۴۱). در نهایت، از شاخص‌های راهبری شرکتی از قبیل استقلال هیأت مدیره، تعداد جلسات هیأت مدیره و مالکیت نهادی به عنوان متغیرهای کنترلی استفاده شده‌اند، زیرا انتظار می‌رود که راهبری شرکتی بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر مثبت و معناداری داشته باشد (لیت و همکاران، ۲۰۱۴؛ ۲۱).

۳-۱-۲- فرضیه دوم پژوهش

برای آزمون فرضیه دوم پژوهش، مطابق با پژوهش کرامر و همکاران (۲۰۱۱؛ ۴۸) از مدل رگرسیون چند متغیره به روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته و به شرح زیر استفاده شده است:

$$ROA_{it} = \beta_0 + \beta_1 RET_{it} + \beta_2 DRET_{it} + \beta_3 RET_{it} \times DRET_{it} + \beta_4 NEW_{it} + \beta_5 NEW_{it} \times RET_{it} + \beta_6 NEW_{it} \times DRET_{it} + \beta_7 NEW_{it} \times RET_{it} \times DRET_{it} + \varepsilon_{it} \quad (مدل ۶)$$

در مدل ۶، تمامی متغیرهای بر حسب شرکت-سال بوده و به شرح زیر تعریف و اندازه‌گیری می‌شوند:

سودآوری (ROA): نسبت سود قبل از ارقام استثنایی بر کل دارایی‌ها؛

بازدهی سالانه (RET): بازدهی سالانه سهام شرکت؛

اخبار بد ($DRET$): متغیری مجازی است، بطوریکه اگر بازدهی سالانه منفی باشد، مقدار ۱ و در غیراینصورت مقدار ۰ اعمال می‌شود.

در مدل ۶، β_1 نشان‌دهنده واکنش سود در برابر بازدهی مثبت و $\beta_3 + \beta_1$ نشان‌دهنده واکنش سود به بازدهی منفی می‌باشد. زمانی سود حسابداری محافظه‌کارانه خواهد بود که β_3 مثبت و معنادار باشد. ضریب β_3 نشان‌دهنده شناخت به‌هنگام‌تر زیان‌ها نسبت به سودها می‌باشد. در این راستا، چنانچه گردش شرکای حسابرسی بر گزارشگری مالی محافظه‌کارانه تأثیرگذار باشد، انتظار می‌رود که همبستگی معناداری بین متغیرهای سودآوری و بازدهی سهام شرکت وجود داشته باشد و بنابراین ضریب متغیر تداخلی $NEW_{it} \times RET_{it} \times DRET_{it}$ معنادار باشد.

بعلاوه، مطابق با مطالعه کرامر و همکاران (۲۰۱۱؛ ۴۸)، از مدل ۷ نیز به عنوان یک راهکار جایگزین برای آزمون فرضیه دوم استفاده شده است. این مدل به شرح زیر استفاده می‌گردد:

$$ACC_{it} = \beta_0 + \beta_1 CFO_{it} + \beta_2 DCFO_{it} + \beta_3 CFO_{it} \times DCFO_{it} + \beta_4 NEW_{it} + \beta_5 NEW_{it} \times CFO_{it} + \beta_6 NEW_{it} \times DCFO_{it} + \beta_7 NEW_{it} \times CFO_{it} \times DCFO_{it} + \varepsilon_{it} \quad (مدل ۷)$$

در مدل ۷، تمامی متغیرهای بر حسب شرکت-سال بوده و به شرح زیر تعریف و اندازه‌گیری می‌شوند:

اقدام تعهدی (ACC): تفاضل جریان وجوه‌نقد عملیاتی از سود عملیاتی تقسیم بر کل دارایی‌ها؛

جریان وجوه‌نقد عملیاتی (CFO): نسبت جریان وجوه‌نقد عملیاتی به کل دارایی‌ها؛

اخبار بد ($DCFO$): متغیری مجازی است، بطوریکه اگر جریان وجوه‌نقد عملیاتی منفی باشد، مقدار ۱ و در غیر اینصورت مقدار ۰ اعمال می‌گردد.

در مدل ۶، بر اساس مطالعه باسو (۱۹۹۷) از روابط سود حسابداری و بازدهی سهام برای شناسایی گزارشگری مالی محافظه‌کارانه استفاده شده بود. این روش، اگر چه شاخصی متداول برای مطالعه حسابداری محافظه‌کارانه است، اما بدون نقص نمی‌باشد. دیتریچ، مولر و ریدل^{۳۲}

(۲۰۰۲) بیان نمودند که مدل باسو در صورتی قابل تفسیر است که بازدهی سهام ناشی از سود حسابداری باشد. به عنوان یک روش جایگزین، بال و شیواکومار^{۳۳} (۲۰۰۵) به بررسی احتمال شناخت به هنگام زیان بوسیله ارقام تعهدی به جای جریان وجه نقد پرداخته‌اند. در این راستا ازعان شده است که ارقام تعهدی، نه تنها در اندازه‌گیری عملکرد از محتوای اطلاعاتی بالاتری نسبت به جریان وجه نقد برخوردار است، بلکه موجب شناخت به هنگام تر سود و زیان نیز می‌شود. در این راستا، چنانچه گردش شرکای حسابداری بر همبستگی ارقام تعهدی و جریان وجه نقد عملیاتی تأثیر معناداری داشته باشد، انتظار می‌رود که ضریب متغیر تداخلی $NEW_{it} \times CFO_{it} \times DCFO_{it}$ معنادار باشد.

۴- یافته‌های پژوهش

در نگاره ۱، آمار توصیفی متغیرهای پژوهش ارائه شده است. در این راستا، نتایج پژوهش نشان داد که ۰/۳۹۳ مشاهدات مورد مطالعه، به تحقق سود هدف بوسیله ارقام تعهدی (MB) مبادرت نموده‌اند. بر اساس، متغیر گردش شرکای مسئول کار در کوتاه مدت (NEW) مشاهده شد که ۰/۴۳۵ از شرکت - سال‌های مورد مطالعه مشمول گردش شرکای مسئول کار در کوتاه مدت می‌باشند. همچنین، میانگین متغیر گزارش زیان (LOSS) بیانگر زیاندهی ۰/۱۲۱ مشاهدات مورد مطالعه است. میانگین متغیر حسابرس بزرگ (BIG) نشان می‌دهد که ۰/۳۳۳ از شرکت - سال‌های مورد بررسی از صاحب‌کاران سازمان حسابرسی بوده‌اند. میانگین متغیر گزارش ارقام استثنایی (EXT) با مقدار ۰/۰۱۲ بیانگر فراوانی پایین این عامل در نمونه مورد مطالعه می‌باشد. از سوی دیگر، متغیر ضعف کنترل‌های داخلی (ICW) با مقدار متوسط ۰/۶۲۷ گویای فراوانی بالای عدم رعایت سیستم کنترل داخلی اثربخش در شرکت‌های مورد مطالعه است.

نگاره ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	میان	انحراف معیار	متغیر	میانگین	میان	انحراف معیار
MB	۰/۳۹۳	۰/۰۰۰	۰/۴۸۸	EXT	۰/۰۱۲	۰	۰/۱۱۰
NEW	۰/۴۳۵	۰/۰۰۰	۰/۴۹۶	ICW	۰/۶۲۷	۱	۰/۴۸۳
LEV	۰/۶۲۶	۰/۶۲۷	۰/۲۲۲	IND	۰/۷۲۷	۰/۸۰۰	۰/۱۶۹
ALT	۰/۱۵۳	۰/۲۰۶	۰/۵۳۴	BOME	۲/۶۳۲	۲/۴۸۴	۰/۲۷۷
LOSS	۰/۱۲۱	۰/۰۰۰	۰/۳۲۷	INS	۰/۷۳۱	۰/۸۱۰	۰/۲۴۳
SIZE	۱۳/۹۱۴	۱۳/۷۶۴	۱/۴۰۶	ROA	۰/۱۶۷	۰/۱۴۵	۰/۱۲۷
SEG	۰/۲۹۴	۰/۰۰۰	۰/۳۹۳	RET	۰/۵۶۴	۰/۱۶۰	۱/۱۵۲
FGN	۰/۶۲۶	۱	۰/۴۸۴	DRET	۰/۳۳۸	۰	۰/۴۷۳
CFO	۰/۱۱۹	۰/۱۰۶	۰/۱۲۲	ACC	۰/۰۱۸	۰/۰۱۷	۰/۱۲۹
BIG	۰/۳۳۳	۰	۰/۴۷۱	CFO	۰/۱۱۹	۰/۱۰۶	۰/۱۲۲
BTM	۰/۵۷۶	۰/۵۴۱	۰/۸۸۴	DCFO	۰/۱۲۱	۰	۰/۳۲۷

در نگاره ۲، همبستگی میان متغیرهای مورد مطالعه ارائه شده است. در این راستا، مطابق با مبانی نظری پژوهش مشاهده شد که بین تحقق سود هدف (MB) و گرددش شرکای مسئول کار حسابرسی در کوتاه مدت (NEW) همبستگی منفی و معناداری وجود دارد.
 نگاره ۲. همبستگی بین متغیرهای پژوهش

همبستگی	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)	(۶)	(۷)	(۸)	(۹)	(۱۰)	(۱۱)	(۱۲)	(۱۳)	(۱۴)	(۱۵)	(۱۶)
MB(1)	۱															
NEW(2)		۱														
LEV(3)			۱													
ALT(4)				۱												
LOSS(5)					۱											
SIZE(6)						۱										
SEG(7)							۱									
FGN(8)								۱								
CFO(9)									۱							
BIG(10)										۱						
BTM(11)											۱					
EXT(12)												۱				
ICW(13)													۱			
IND(14)														۱		
BOME(15)															۱	
INS(16)																۱

*معناداری در سطح یک، پنج و ده درصد به ترتیب صورت خط زیر و مورب، خط زیر و مورب مشخص شده است.

همچنین، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که متغیرهای اهرم (LEV)، گزارش زیان (LOSS) و جریان وجوه‌نقد عملیاتی (CFO) دارای همبستگی منفی و معناداری با تحقق سود هدف می‌باشند؛ در حالیکه، بین شاخص درماندگی مالی آئتمن تعدیل شده (ALT) و تحقق سود هدف همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. این شواهد می‌تواند بیانگر توان پیش‌بینی‌کنندگی بالاتر شاخص درماندگی مالی آئتمن تعدیل شده در برابر شاخص‌های اهرم، گزارش زیان و جریان وجوه‌نقد

عملیاتی در برآورد سودآوری شرکت‌ها باشد. بعلاوه، بر اساس شواهد بدست آمده، بین هیچیک از متغیرها همبستگی کامل وجود ندارد و بنابراین استفاده از مدل رگرسیون چندمتغیره امکان‌پذیر است.

به منظور آزمون فرضیه اول پژوهش، از مدل ۱ به روش پروبیت استفاده شده است. نتایج حاصل از برازش مدل رگرسیونی نشان داد که بین گردش شرکای مسئول کار حسابرسی (*NEW*) و تحقق سود هدف رابطه منفی ($-۰/۳۰۳$) و معناداری ($۰/۰۰۹$) وجود دارد. بر این اساس، فرضیه اول پژوهش مبنی بر وجود رابطه معنادار بین متغیرهای مذکور در سطح معناداری آماری یک درصد مورد تأیید قرار می‌گیرد. بعلاوه، نتایج حاصل از مطالعه متغیرهای کنترلی نشان داد که مطابق با ادبیات موجود، بین گزارش زیان (*LOSS*) و تحقق سود هدف رابطه منفی ($-۰/۴۴۸$) و معناداری ($۰/۰۴۶$) وجود دارد. به بیان دیگر، زیان موجب می‌شود تا شرکت‌ها در برآورده نمودن انتظارات نسبت سودآوری با شکست مواجه گردند. همچنین، بر خلاف پژوهش‌های پیشین مشاهده شد که بین عملیات خارجی شرکت (*FGN*) و تحقق سود هدف رابطه مثبت ($۰/۲۴۳$) و معناداری ($۰/۰۵۰$) وجود دارد. این امر می‌تواند ناشی از شرایط اقتصادی حاکم بر ایران باشد. به بیان دیگر، عملیات خارجی شرکت‌های ایرانی موجب موفقیت آن‌ها در برآورده نمودن اهداف سودآوری می‌گردد. همچنین، مطابق با ادبیات موجود نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بین جریان وجوه نقد عملیاتی (*CFO*) و تحقق سود هدف رابطه منفی ($-۲/۱۲۰$) و معناداری ($۰/۰۰۰$) وجود دارد. ضریب تعیین مک‌فادن بیانگر مقدار $۰/۰۶۳$ بوده و آماره ال‌آر با مقدار $۴۸/۶۷۶$ و معناداری $۰/۰۰۰$ ، اعتبار کلی مدل پژوهش را تأیید می‌نماید. سایر نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول پژوهش در نگاره ۳ ارائه شده است.

نگاره ۳. نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

متغیر	ضریب	معناداری	متغیر	ضریب	معناداری
<i>C</i>	$-۰/۱۰۴$	$۰/۸۹۸$	<i>CFO</i>	$-۲/۱۲۰$	$۰/۰۰۰$
<i>NEW</i>	$-۰/۳۰۳$	$۰/۰۰۹$	<i>BIG</i>	$۰/۲۵۵$	$۰/۰۵۸$
<i>LEV</i>	$-۰/۵۲۴$	$۰/۲۳۳$	<i>BTM</i>	$-۰/۱۱۲$	$۰/۲۰۵$
<i>ALT</i>	$۰/۱۸۵$	$۰/۳۵۷$	<i>EXT</i>	$-۰/۰۰۵$	$۰/۹۹۰$
<i>LOSS</i>	$-۰/۴۴۸$	$۰/۰۴۶$	<i>ICW</i>	$۰/۱۰۳$	$۰/۳۹۰$
<i>SIZE</i>	$۰/۰۰۳$	$۰/۹۴۷$	<i>IND</i>	$۰/۲۰۴$	$۰/۵۶۴$
<i>SEG</i>	$۰/۰۹۵$	$۰/۵۱۷$	<i>BOME</i>	$۰/۰۶۹$	$۰/۷۴۵$
<i>FGN</i>	$۰/۲۴۳$	$۰/۰۵۰$	<i>INS</i>	$-۰/۱۰۲$	$۰/۶۸۸$
ضریب تعیین مک‌فادن	$۰/۰۶۳$		آماره هنان کوئین	$۱/۳۶۰$	
آماره اکاییک	$۱/۳۱۳$		آماره ال‌آر	$۴۸/۶۷۶$	
آماره شوراتز	$۱/۴۳۵$		معناداری آماره ال‌آر	$۰/۰۰۰$	

به منظور آزمون فرضیه دوم پژوهش، از دو مدل ۶ و ۷ استفاده شده است. در این راستا، ابتدا به منظور کسب شناخت نسبت به شیوه برازش داده‌های ترکیبی از آزمون‌های چاو^{۳۴} و هاسمن^{۳۵} استفاده گردید. نتایج حاصل از آزمون‌ها مذکور نشان داد که هر دو مدل ۶ و ۷ باید بصورت داده‌های ترکیبی و روش اثرات ثابت برازش شوند. بعلاوه، به منظور کسب اطمینان نسبت به برقراری فروض کلاسیک رگرسیون، از آزمون‌های خودهمبستگی وولدریدج^{۳۶} و ناهمسانی واریانس والد تعدیل شده^{۳۷} استفاده شد. شواهد حاصل از آزمون‌های مذکور حاکی از وجود مشکلات خودهمبستگی و ناهمسانی واریانس در هر دو مدل ۶ و ۷ بود. در نتیجه، به منظور برازش مدل‌های ۶ و ۷، از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته^{۳۸} و فرآیند خودرگرسیون مرتبه اول ($AR(1)$) استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون‌های مذکور، در نگاره ۴ ارائه شده است.

نگاره ۴. نتایج آزمون‌های پیش از برازش مدل‌های رگرسیونی

نام آزمون	مدل ۶	نتیجه	مدل ۷	نتیجه
	آماره	معناداری	آماره	معناداری
چاو	۱۰/۱۹	۰/۰۰	۴/۹۲	۰/۰۰
هاسمن	۴۳۱/۷	۰/۰۰	۱۸۱/۴	۰/۰۰
وولدریدج	۳۱/۴۱	۰/۰۰	۶/۲۵	۰/۰۱
				خودهمبستگی
والد تعدیل شده	۳۶۲۳۲	۰/۰۰	۴۹۲۲	۰/۰۰
				وجود ناهمسانی واریانس

نتایج حاصل از برازش مدل ۶ نشان داد که بین متغیر تداخلی گردش شرکای مسئول کار، بازدهی و اخبار بد ($NEW \times RET \times DRET$) و سودآوری رابطه منفی ($۰/۰۷۷$) و معناداری ($۰/۰۴۹$) وجود دارد. بر این اساس، فرضیه دوم پژوهش مبنی بر رابطه معنادار گردش شرکای مسئول کار حسابرسی در کوتاه مدت و گزارشگری مالی محافظه‌کارانه در سطح معناداری آماری پنج درصد مورد تأیید قرار می‌گیرد. بعلاوه، شواهد حاصل از متغیرهای کنترلی مدل ۶ نشان داد که مطابق انتظار، بین بازدهی (RET) و سودآوری شرکت رابطه مثبت ($۰/۰۱۲$) و معناداری ($۰/۰۰۰$) وجود دارد. همچنین، بین گردش شرکای مسئول کار حسابرسی در کوتاه مدت (NEW) و سودآوری شرکت، رابطه مثبت ($۰/۰۰۸$) و معناداری ($۰/۰۸۲$) مشاهده شد. ضریب تعیین مدل ۶ با مقدار $۰/۷۰۵$ بیانگر توان توضیح‌دهندگی مطلوب مدل پژوهش می‌باشد. همچنین، آماره F با مقدار $۱۸۲/۵۵۵$ و معناداری $۰/۰۰۰$ اعتبار کلی مدل پژوهش را نشان می‌دهد.

در ادامه، نتایج حاصل از برازش مدل ۷ نشان داد که بین متغیر تداخلی گردش شرکای مسئول کار، جریان وجوه نقد عملیاتی و اخبار بد ($NEW \times CFO \times DCFO$) و اقلام تعهدی رابطه مثبت

(۰/۲۲۴) و نامعاداری (۰/۱۰۲) وجود دارد. در نتیجه، مطابق با مدل ۷، فرضیه دوم پژوهش مبنی بر رابطه معناداری گردش شرکای مسئول کار حسابرسی در کوتاه مدت و گزارشگری مالی محافظه کارانه مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. همچنین، شواهد حاصل از متغیرهای کنترلی مورد مطالعه نشان داد که بین ارقام تعهدی و جریان وجوه نقد عملیاتی (CFO) رابطه منفی (۰/۸۸۳-) و معناداری (۰/۰۰۰) وجود دارد. با این وجود، بین ارقام تعهدی و گردش شرکای مسئول کار حسابرسی در کوتاه مدت (NEW) رابطه معناداری وجود ندارد. سایر نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم پژوهش در نگاره ۵ ارائه شده است.

نگاره ۵. نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش

مدل ۶		مدل ۷		مدل ۶	
متغیر	ضریب	معناداری	متغیر	ضریب	معناداری
C	۰/۱۱۴	۰/۰۰۰	C	۰/۰۴۰	۰/۰۰۰
RET	۰/۰۱۲	۰/۰۰۰	CFO	-۰/۸۸۳	۰/۰۰۰
DRET	-۰/۰۱۱	۰/۱۰۱	DCFO	-۰/۰۰۷	۰/۳۵۸
RET × DRET	-۰/۰۲۶	۰/۳۳۹	CFO × DCFO	-۰/۲۷۹	۰/۰۰۰
NEW	۰/۰۰۸	۰/۰۸۲	NEW	۰/۰۰۰	۰/۸۷۱
NEW × RET	۰/۰۰۴	۰/۱۴۷	NEW × CFO	۰/۰۹۱	۰/۰۱۲
NEW × DRET	۰/۰۲۱	۰/۰۲۶	NEW × DCFO	۰/۰۱۵	۰/۱۴۴
NEW × RET × DRET	۰/۰۷۷	۰/۰۴۹	NEW × CFO × DCFO	۰/۲۲۴	۰/۱۰۲
AR(1)	۰/۸۱۶	۰/۰۰۰	AR(1)	۰/۸۱۷	۰/۰۰۰
ضریب تعیین	۰/۷۰۵		ضریب تعیین	۰/۸۴۰	
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۷۰۱		ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۸۳۸	
آماره F	۱۸۲/۵۵۵		آماره F	۴۶۰/۶۲۹	
معناداری آماره F	۰/۰۰۰		معناداری آماره F	۰/۰۰۰	
آماره دوربین واتسون	۲/۱۲۹		آماره دوربین واتسون	۲/۰۱۹	

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در پژوهش حاضر به بررسی رابطه گردش شرکای مسئول کار حسابرسی در کوتاه مدت با کیفیت سود و محافظه‌کاری پرداخته شد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول پژوهش نشان داد که بین گردش شرکای مسئول کار حسابرسی در کوتاه مدت و تحقق سود هدف رابطه منفی و معناداری وجود دارد. این شواهد با نتایج لینوکس و همکاران (۲۰۱۴)، کرامر و همکاران (۲۰۱۱)، چن و همکاران (۲۰۰۸)، فارقر و همکاران (۲۰۰۸)، کاری و سیمنت (۲۰۰۶)، همیلتون و همکاران (۲۰۰۵)، منون و ویلیامز (۲۰۰۴)، دیس و گیروکس (۱۹۹۲)، خواجوی و حسینی نیا (۱۳۹۳)، شورورزی و همکاران (۱۳۹۱)، بزرگ اصل و شایسته‌مند (۱۳۹۳) و کرمی و همکاران (۱۳۹۰) مطابقت دارد. بر این اساس می‌توان ادعا نمود که گردش شرکای مسئول کار حسابرسی در کوتاه

مدت موجب کاهش مبادرت صاحب‌کار به مدیریت سود و گزارشگری سود هدف می‌گردد. با این وجود، شواهد حاصل از پژوهش حاضر با نتایج لیت و همکاران (۲۰۱۴) سازگار نمی‌باشد. این امر می‌تواند ناشی از جامعه آماری متفاوت پژوهش مذکور باشد.

همچنین، نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم پژوهش نشان داد که بین گردش شرکای مسئول کار در کوتاه مدت و گزارشگری مالی محافظه‌کارانه رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. این شواهد با نتایج لینوکس و همکاران (۲۰۱۴)، کرامر و همکاران (۲۰۱۱)، همیلتون و همکاران (۲۰۰۵)، دیس و همکاران (۱۹۹۲) و شورورزی و همکاران (۱۳۹۱) مطابقت دارد. بر این اساس می‌توان استدلال نمود که گردش شرکای مسئول کار حسابرسی در کوتاه مدت، مانع از شکل‌گیری روابط نزدیک میان حسابرس و صاحب‌کار شده و به این ترتیب، حسابرس با اعمال نظارت دقیق‌تر و کیفیت حسابرسی بالاتر موجب گزارشگری مالی محافظه‌کارانه از سوی صاحب‌کار می‌شود.

در مجموع، نتایج حاصل از پژوهش حاضر بیانگر تأثیر مثبت سیاست گردش شرکای حسابرسی در کوتاه مدت بر کیفیت حسابرسی و گزارشگری مالی می‌باشد. از اینرو، به نهادهای ناظر بر بازارهای سرمایه و تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابرسی توصیه می‌شود تا با وضع ضوابط گردش شرکای حسابرسی در کوتاه مدت، زمینه بهبود استقلال حسابرسان مستقل و کیفیت گزارشگری مالی را فراهم آورند. بعلاوه، پژوهش حاضر دانش افزایی‌های متعددی برای ادبیات موجود همراه دارد. نخست، با شناخت اثربخشی سیاست گردش شرکای مسئول کار بر کیفیت گزارشگری مالی مشخص شد که می‌توان بر سیاست مذکور به عنوان یک روش کم هزینه‌تر از گردش مؤسسات حسابرسی اتکا نمود. دوم، نتایج پژوهش نشان داد که روابط کوتاه مدت شرکای مسئول کار حسابرسی با صاحب‌کار، موجب بهبود فرآیند حسابرسی و گزارشگری مالی می‌شود. سوم، بر اساس مطالعه حاضر مشخص شد که روابط کوتاه مدت شرکای مسئول کار حسابرسی به کاهش شناخت و صلاحیت حرفه‌ای حسابرسان نسبت به گزارشگری مالی صاحب‌کار و شکست حسابرسی منجر نمی‌شود.

یادداشت‌ها

- 1- Hamilton, Ruddock, Stokes & Taylor
- 2- Chen, Lin & Lin
- 3- Firth, Rui & Wu
- 4- Ryken, Radich & Fargher
- 5- Chi & Huang
- 6- Fargher, Lee & Mande
- 7- Barbadillo, Aguilar & Carrera
- 20- Watts
- 21- Deis & Giroux
- 22- Chi, Myers, Omer & Xie
- 23- Huang, Raghunandan, Huang & Chiou
- 24- Lennox, Wu & Zhang
- 25- Daugherty, Dickins, Hatfield & Higgs
- 26- Chen, Su & Wu

- | | |
|--|------------------------------------|
| 8-Kramer, Georgakopoulos, Sotiropoulos & Vasileiou | 27- Carey & Simnett |
| 9- Raiborn, Schorg & Massoud | 28- Davis, Soo & Trompeter |
| 10- Ewelt-Knauer, Gold & Pott | 29- Das, Levine & Sivaramakrishnan |
| 11- Arel, Brody & Pany | 30- Brown |
| 12- Blandón & Bosch | 31- Doyle, Ge & McVay |
| 13- Ye, Carson & Simnett | 32- Dietrich, Muller & Riedl |
| 14- Menon & Williams | 33- Ball & Shivakumar |
| 15- U.S. General Accounting Office (GAO) | 34- Chow Test |
| 16- Laurion, Lawrence & Ryans | 35- Hausman Test |
| 17- DeFond & Subramanyam | 36- Wooldridge Test |
| 18- Litt, Sharma, Simpson & Tanyi | 37- Modified Wald Test |
| 19- Basu | 38- Generalized Least Squares |

کتابنامه

۱. بزرگ اصل، موسی و حمیدرضا شایسته‌مند. (۱۳۹۰). رابطه بین مدت تصدی حسابرسان و مدیریت سود. فصلنامه بورس اوراق بهادار، ۴(۱۳)، ۲۱۳-۲۳۳.
۲. بهبهانی‌نیا، پریسا سادات و جواد معصومی. (۱۳۹۵). نقش کیفیت حسابرسان در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی. دانش حسابداری مالی، ۳(۴)، ۹۳-۱۰۶.
۳. حساس یگانه، یحیی. (۱۳۹۳). فلسفه حسابرسان. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۴. حساس یگانه، یحیی؛ برزیده، فرخ؛ تقوی فرد، محمدتقی و محمد فرهمند سیدآبادی. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر گردش اجباری مؤسسه‌های حسابرسان بر حق الزحمه حسابرسان و رقابت در بازار حسابرسان. بررسی‌های حسابداری و حسابرسان، ۲۳(۳)، ۳۳۳-۳۵۲.
۵. خواجوی، شکراله و سمیه حسینی‌نیا. (۱۳۹۳). رابطه بین دوره تصدی حسابرسان و اندازه مؤسسه حسابرسان و ضریب واکنش سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. حسابرسان: نظریه و عمل، ۱(۲)، ۲۳-۴۵.
۶. رحیمیان، نظام‌الدین و رضا جان فدا. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر چرخش اجباری و داوطلبانه مؤسسات حسابرسان بر کیفیت حسابرسان. حسابرسان: نظریه و عمل، ۱(۱)، ۶۷-۸۹.
۷. زیمرن، ج. ا؛ و واتز، ر. ا. (۱۳۹۳). تئوری اثباتی حسابداری. (ع. پارسائیان، مترجم) تهران: ترمه.
۸. شورورزی، محمدرضا؛ زنده دل، احمد و سینا قاسمیپور انارکی. (۱۳۹۱). تأثیر تصدی طولانی بر استقلال حسابرسان. دانش حسابداری مالی، ۲(۴)، ۱۳۴-۱۶۲.
۹. کردستانی، غلامرضا؛ تاتلی، رشید و حمید کوثری فر. (۱۳۹۳). ارزیابی توان پیش‌بینی مدل تعدیل شده آلتمن از مراحل درماندگی مالی نیوتون و ورشکستگی شرکت‌ها. دانش سرمایه‌گذاری، ۳(۹)، ۸۳-۹۹.

۱۰. کرمی، غلامرضا و آمنه بذرافشان. (۱۳۸۸). بررسی رابطه دوره تصدی حسابرس و گزارشگری سودهای محافظه‌کارانه در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه بورس اوراق بهادار، ۲(۷)، ۵۵-۸۰.
۱۱. کرمی، غلامرضا؛ بذرافشان، آمنه و امیر محمدی. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرس و مدیریت سود. دانش حسابداری، ۲(۴)، ۶۵-۸۲.
۱۲. ملکیان، اسفندیار و فرازنده عبدی‌پور. (۱۳۹۳). رابطه بین تغییر موسسه حسابرسی و گزارشگری سودهای محافظه‌کارانه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۱(۴۱)، ۱۵۷-۱۷۳.
13. Arel, B., Brody, R., & Pany, K. (2006). Findings on the Effects of Audit Firm Rotation on the Audit Process under Varying Strengths of Corporate Governance. *Advances in Accounting*, 22, 1-27.
14. Ball, R., & Shivakumar, L. (2005). Earnings Quality in UK Private Firms: Comparative Loss Recognition Timeliness. *Journal of Accounting and Economics*, 39(1), 83-123.
15. Barbadillo, E. R., Aguilar, N. G., & Carrera, N. (2009). Does Mandatory Audit Firm Rotation Enhance Auditor Independence? Evidence from Spain. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 28(1), 113-135.
16. Basu, S. (1997). The conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings. *Journal of Accounting and Economics*, 24(1), 3-37.
17. Blandón, J. G., & Bosch, J. M. (2013). Audit firm tenure and qualified opinions: New evidence from Spain. *Revista de Contabilidad – Spanish Accounting Review*, 16(2), 118-125.
18. Brown, L. D. (2001). A Temporal Analysis of Earnings Surprises: Profits versus Losses. *Journal of Accounting Research*, 39(2), 221-241.
19. Carey, P., & Simnett, R. (2006). Audit Partner Tenure and Audit Quality. *The Accounting Review*, 81(3), 653-676.
20. Chen, C. J., Su, X., & Wu, X. (2009). Forced Audit Firm Change, Continued Partner-Client Relationship, and Financial Reporting Quality. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 28(2), 227-246.
21. Chen, C. Y., Lin, C. J., & Lin, Y. C. (2008). Audit partner tenure, audit firm tenure, and discretionary accruals: does long auditor tenure impair earnings quality? *Contemporary Accounting Research*, 25, 415-445.
22. Chi, W., & Huang, H. (2005). Discretionary accruals, audit-firm tenure and audit-partner tenure: Empirical evidence from Taiwan. *Journal of Contemporary Accounting and Economics*, 1(1), 65-92.
23. Chi, W., Myers, L. A., Omer, T. C., & Xie, H. (2017). The effects of audit partner pre-client and client-specific experience on audit quality and on perceptions of audit quality. *Review of Accounting Studies*, 22(1), 361-391.

24. Das, S., Levine, C. B., & Sivaramakrishnan, K. (1998). Earnings Predictability and Bias in Analysts' Earnings Forecasts. *The Accounting Review*, 73(2), 277-294.
25. Daugherty, B. E., Dickins, D., Hatfield, R. C., & Higgs, J. L. (2013). Mandatory Audit Partner Rotation: Perceptions of Audit Quality Consequences. *Current Issues in Auditing*, 7(1), 30-35.
26. Davis, L., Soo, B., & Trompeter, G. (2009). Auditor Tenure & the Ability to Meet or Beat Earnings Forecasts. *Contemporary Accounting Research*, 26(2), 517-548.
27. DeFond, M. L., & Subramanyam, K. R. (1998). Auditor choice and discretionary accruals. *Journal of Accounting and Economics*, 25, 35-67.
28. Deis, D., & Giroux, G. (1992). Deyterminants of audit quality in the public sector. *The Accounting Review*, 67, 462-479.
29. Dietrich, J. R., Muller, K. A., & Riedl, E. J. (2002). Using stock returns to determine bad versus good news to examine the conservatism of accounting earnings. Working Paper, Ohio State University.
30. Doyle, J. T., Ge, W., & McVay, S. (2007). Accruals Quality and Internal Control over Financial Reporting. *The Accounting Review*, 82(5), 1141-1170.
31. Ewelt-Knauer, C., Gold, A., & Pott, C. (2013). Mandatory Audit Firm Rotation: A Review of Stakeholder Perspectives and Prior Research. *Accounting in Europe*, 10(1), 27-41.
32. Fargher, N., Lee, H. Y., & Mande, V. (2008). The effect of audit partner tenure on client managers' accounting discretion. *Managerial Auditing Journal*, 23, 161-186.
33. Firth, M., Rui, O. M., & Wu, X. (2012). How do various forms of auditor rotation affect audit quality? Evidence from China. *The International Journal of Accounting*, 47(3), 109-138.
34. Hamilton, J., Ruddock, C., Stokes, D., & Taylor, S. (2005). Audit Partner Rotation, Earnings Quality and Earnings Conservatism. Working paper, University of New South Wales. http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=740846.
35. Huang, H., Raghunandan, K., Huang, T., & Chiou, J. (2015). Fee Discounting and Audit Quality Following Audit Firm and Audit Partner Changes: Chinese Evidence. *The Accounting Review*, 90(4), 1517-1546.
36. Kramer, S. T., Georgakopoulos, G., Sotiropoulos, I., & Vasileiou, K. Z. (2011). Audit Firm Rotation, Audit Firm Tenure and Earnings Conservatism. *International Journal of Business and Management*, 6(8), 44-57.
37. Laurion, H., Lawrence, A., & Ryans, J. (2016). U.S. Audit Partner Rotations. Working paper, University of California at Berkeley.
38. Lennox, C. S., Wu, X., & Zhang, T. (2014). Does Mandatory Rotation of Audit Partners Improve Audit Quality? *The Accounting Review*, 89(5), 1775-1803.

39. Litt, B., Sharma, D., Simpson, T., & Tanyi, P. (2014). Audit Partner Rotation and Financial Reporting Quality. *Forthcoming Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 33(3), 1-50; available at:<http://ssrn.com/abstract=2405483>.
40. Menon, K., & Williams, D. D. (2004). Former Audit Partners and Abnormal Accruals. *The Accounting Review*, 79(4), 1095-1118.
41. Raiborn, C., Schorg, C. A., & Massoud, M. (2006). Should Auditor Rotation Be Mandatory? *The Journal of Corporate Accounting & Finance*(May/June), 37-49.
42. Ryken, K., Radich, R., & Fargher, N. L. (2007). Audit Partner Rotation: Evidence of Changes in Audit Partner Tenure as the Result of Mandatory Regulation in Australia. *Current Issues in Auditing*, 1, A28-A35.
43. Watts, R. L. (2003). Conservatism in accounting part I: Explanations and implications. *Accounting Horizons*, 17(3), 207-221.
44. Ye, P., Carson, E., & Simnett, R. (2011). Threats to Auditor Independence: The Impact of Relationship and Economic Bonds. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 30(1), 121-148.